

## قشون دولت علیّه ایران

جلال فرمند

سرزمین ایران در طول تاریخ به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی مورد توجه اقوام و ملل گوناگون بوده است. این سرزمین به عنوان پلی طبیعی به محل عبور قبایل شرقی آسیا به سوی غرب آن و به خصوص آناتولی و اروپا تبدیل شده بود. حال چه این قبایل برای غارتگری مهیا شده بودند و یا اینکه در حال جابه‌جایی برای یافتن مراتع جدید برای گوسفندانشان.

حکومت‌های تأسیس شده در این سرزمین نیز برای حفظ خویش از آسیب این اقوام و قبایل مجبور به تشکیل نیروهای نظامی بودند. بدین دلیل ایران همواره از مردان جنگاور و نظامی بسیار در خود دیده است. البته فراز و فرود قدرت در ارتش ایران همواره ارتباطی مستقیم با قدرت حکومت مرکزی داشته است. در دوره‌های گذشته و خصوصاً در خاندانهای هخامنشی و ساسانی، سپاهیان ایران از مدرن‌ترین قوای آن روز جهان محسوب می‌شدند، ولی پس از افول خاندانهای مقتدر حاکم بر ایران و ضعف حکومت مرکزی به‌رغم پیشرفت فنون نظامی و لشکرکشی در جهان و خصوصاً اروپا نیروهای نظامی ایران به شکل سنتی خود باقی ماندند و پیشرفتی نکردند.

در زمان صفویه و مواجهه لشکریان ایران با عثمانی و خصوصاً در نبرد «چالدران» ضعف مفرط ایرانیان در عدم دسترسی به سلاح آتشین ضعف کار را نشان داد. به طوری که حکام صفوی در صدد مدرنیزه کردن ارتش برآمدند. اروپاییان به دلیل نیروی قدرتمند عثمانی که کل اروپا را تهدید می‌کرد در صدد باز کردن جبهه‌ای در پشت عثمانیان برآمدند و آن جبهه دولت صفویه بود. برادران شرلی بدین منظور به ایران آمدند و هسته اولین توپخانه را در ایران پی‌ریزی کردند و سپاهیان ایران را با فنون جنگی روز آموزش دادند. پیروزیهای بعدی ایرانیان بر عثمانی مؤید این تأثیر بود.

با افول خاندان صفوی مجدداً نیروی نظامی ایران رو به قهقرا رفت و هنگام حکومت

قاجاریان کاملاً به شکل سنتی خود بازگشت، یعنی جنگها با اتحاد قبایل و همراه با سلاحهایی چون شمشیر و تیر و کمان و تا حدودی تفنگها و توپهای سریر کهنه آن زمان. با رویارویی جدید ایران و روسیه که مجهز به جدیدترین سلاحهای رزمی آن زمان خود بود، فتحعلی شاه و ولیعهدش عباس میرزا به ضعف شدید قوای ایران پی بردند و با امضای قراردادی با فرانسه در زمان ناپلئون به بازسازی آن پرداختند و مجدداً سپاهی در کنار قوای نظامی دیگر شکل گرفت که تا حدی با اصول نبردهای مدرن آشنا بودند. این سپاه پیروزیهای محدودی نیز در مقابل ارتش روسیه به دست آورد. با شکستهای متوالی ایرانیان از روسها، پادشاهان بعدی قاجار که دیگر از کشورگشایی و جهانگشایی! دست برداشته بودند توجه چندانی به ادامه بازسازی ارتش نکردند و هرچه عباس میرزا رشته بود پنبه گردید و سپاه ایران به مثنی نیروهای حقیر و فقرزده با لباسهای مندرس و اسلحه‌های از کار افتاده تبدیل شد. ولی البته سران سپاه با لباسهای مجلل و شمشیر مرصع و غیره مبالغ هنگفتی از بودجه کل مملکتی می‌گرفتند و خرج خود می‌کردند به طوری که پس از مناصب بالای وزارت جنگ امور سررشته‌داری خواهان بسیاری داشت به طوری که در اوایل قرن نوزدهم قوام‌الدوله برای دستیابی به این مقام سی هزار تومان رشوه داد که فقط حق خاصه شاه بیست و دو هزار تومان بود!

البته در دوره ناصرالدین شاه به صورت مقطعی اصلاحاتی در ارتش صورت گرفت. مثلاً ظل‌السلطان که خود بر نیمی از مملکت محروسه حکمروایی داشت در اصفهان سپاهی ویژه به کمک مستشاران اطریشی تشکیل داده بود که از حیث لباس نیز شباهتی کامل با لباس لشکریان امپراتوری اطریش داشت. و یا ناصرالدین شاه در سفر به فرنگستان تحت تأثیر نیروهای منظم قزاق روس امر به تشکیل نیروی قزاق ایرانی داد که تا اواخر دوره قاجار یکی از منظم‌ترین و مجهزترین واحدهای نظامی ایران به حساب می‌آمد.

همین نیروی قزاق در اواخر دوره قاجاریه پایه و اساس ارتش جدید ایران گردید که رضاخان که از دل این نیروها برخاسته بود مؤسس آن شد.

قشون متحدالشکل علی‌رغم ساختار جدید با توجه به بی‌انگیزه‌گی ناشی از بحران هویت و بیگانگی رژیم پهلوی با متن جامعه قابلیت پایین‌تر از ساختار سنتی نیروهای نظامی در مقابله با تهدیدات داشت و به ابزاری برای سرکوب ایلات و عشایر و مخالفان داخلی تبدیل شد.

ساختار نظامی ارتش ایران در دوره قاجار بر سه بخش استوار بود:

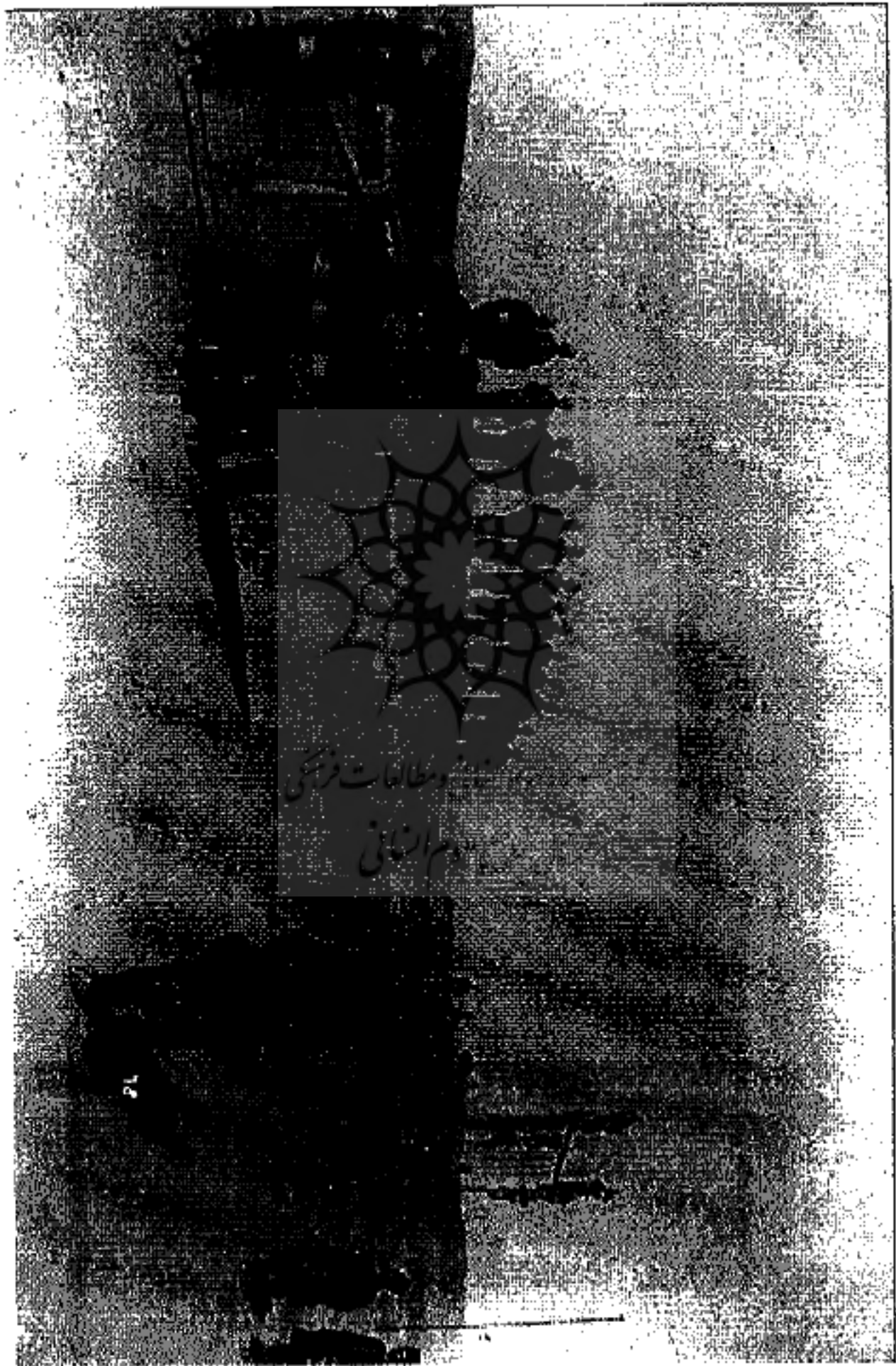
۱. پیاده‌نظام ۲. نیروهای ایلاتی که عمدتاً سواره‌نظام بودند ۳. توپخانه

پیاده‌نظام مهم‌ترین رکن ارتش بود و شکل سربازگیری آن به صورت «بنیچه» اعمال می‌شد. بر اساس این نظام هر روستا، بخش یا طایفه متعهد بود که متناسب با برآورد درآمد خود، سرباز مورد نیاز پیاده‌نظام را تأمین کند. لباس پیاده‌نظام معمولاً یک شکل بود و اگر دیر به دست سرباز می‌رسید که معمول چنین بود با حالت زشتی وصله و پینه می‌شد.

سلسله‌مراتب نظامی در پیاده‌نظام از کمترین مقام به بالاترین مقام آن چنین بود:

سرباز، سرجوخه، وکیل، طبال‌باشی، مؤذن‌باشی، شیپورچی‌باشی، مفتش، نایب، بیرق‌دار، آجودان، سلطان، یاور دوم، یاور اول (سرگرد، ماژور)، سرهنگ (کلنل)، سرتیپ سوم، سرتیپ دوم، سرتیپ اول (میرینج).

عکسهای انتخاب شده در این شماره فصلنامه تاریخ معاصر ایران نگاهی به سربازان و قشون ایرانی در دوره قاجار و اوایل پهلوی دارد:



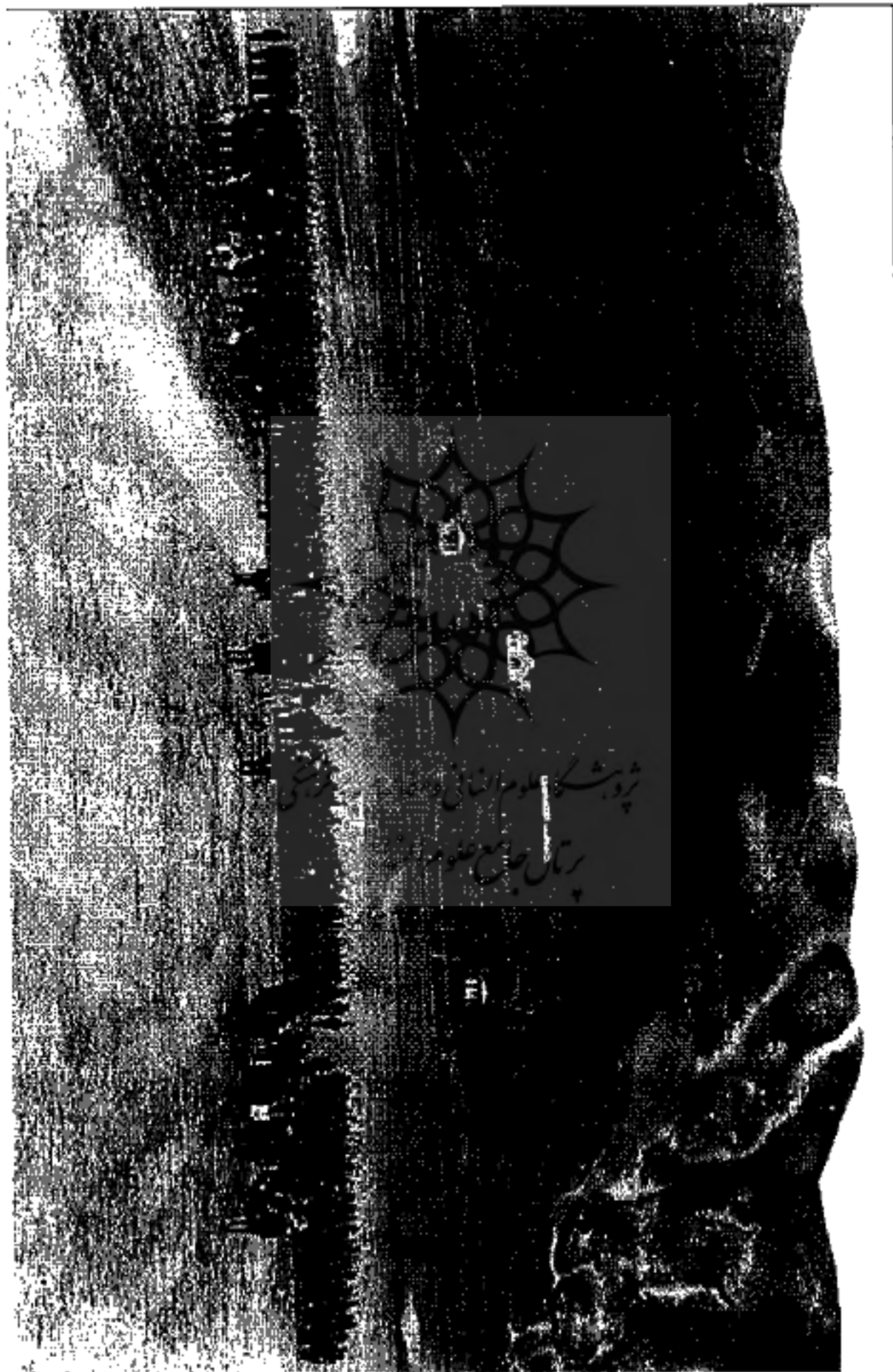
مطالعات و تحقیقات  
سرپرستی

زمستان ۸۴، شماره ۳۶، س ۹

۱۶



مراسم سان و رژه در سربازخانه تبریز [۹۲-۹۸ع]



سرتازان دورہ قانجاہ ۶۴-۶۵-۹۵۵-۹۵۶



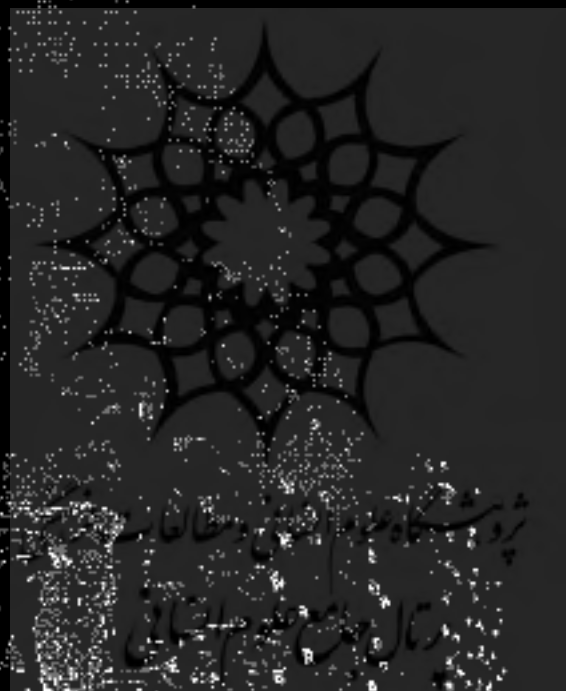
سرمایان ظل السلطان در اصفهان [۶۷۳-۶۸۱ع]



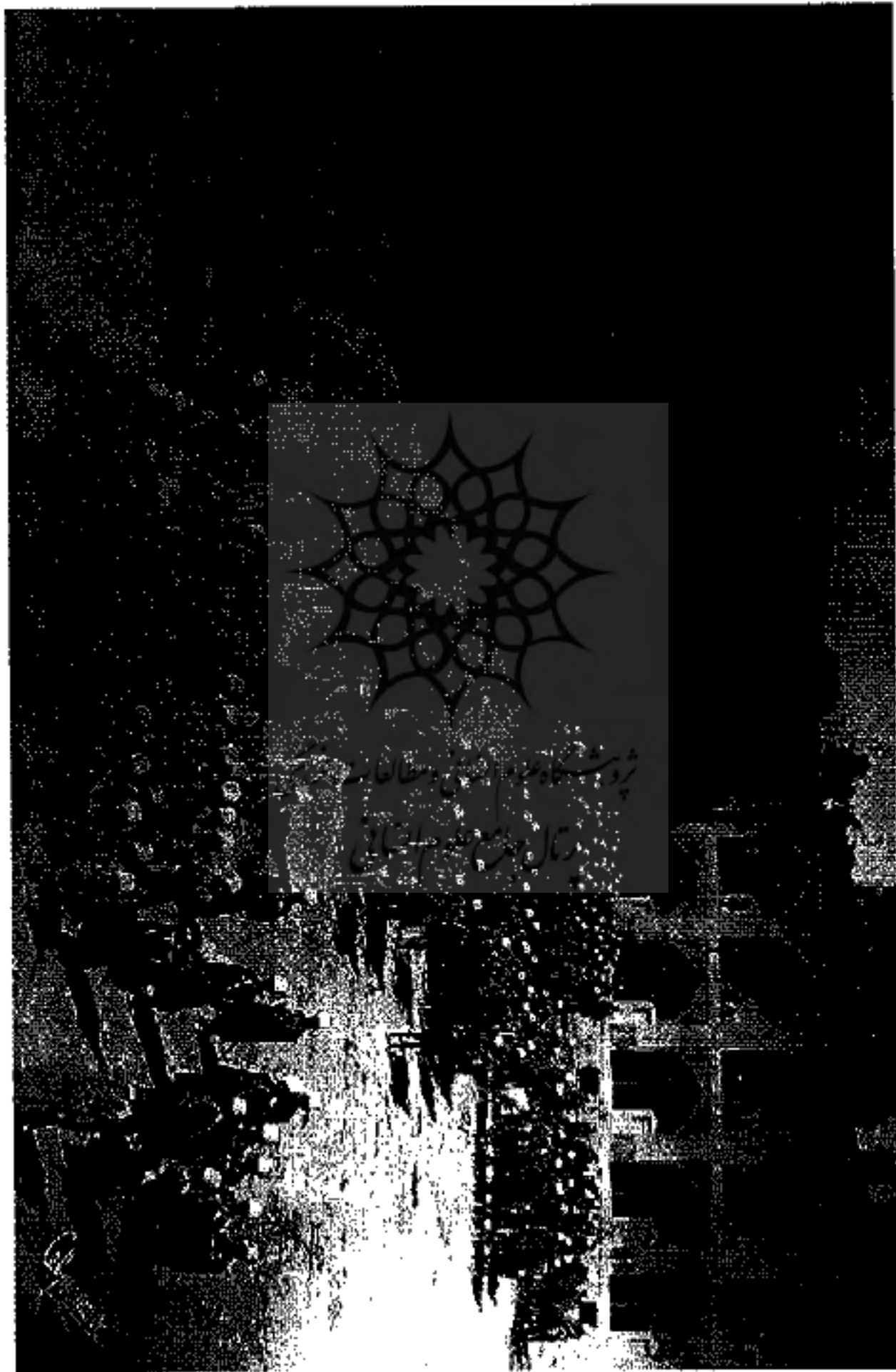


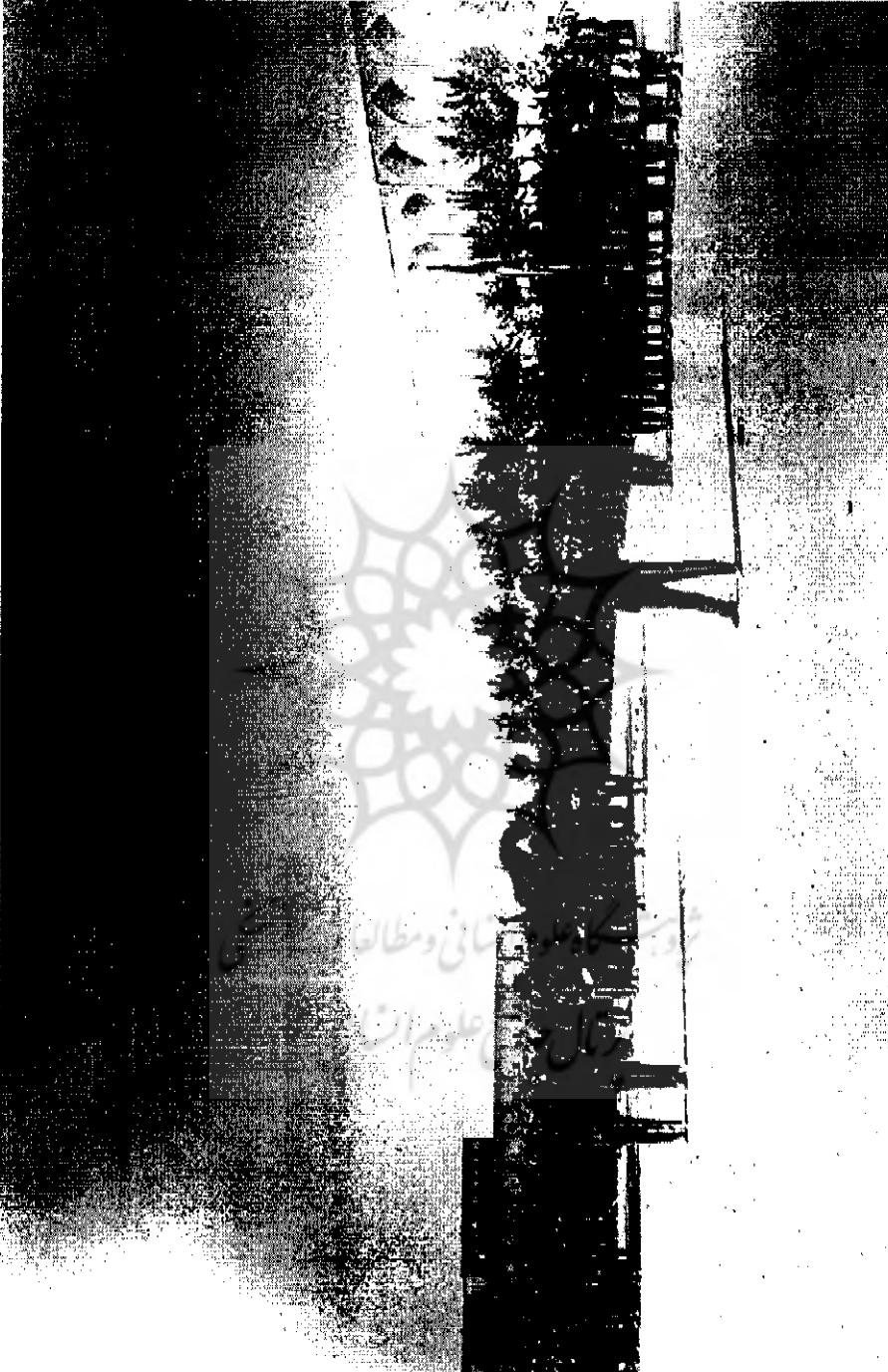


ظل السلطان و صاحب منصبان قشون دیوه وی با لباس ارتش اطروش (۵۱۷-۵۱۸ع)

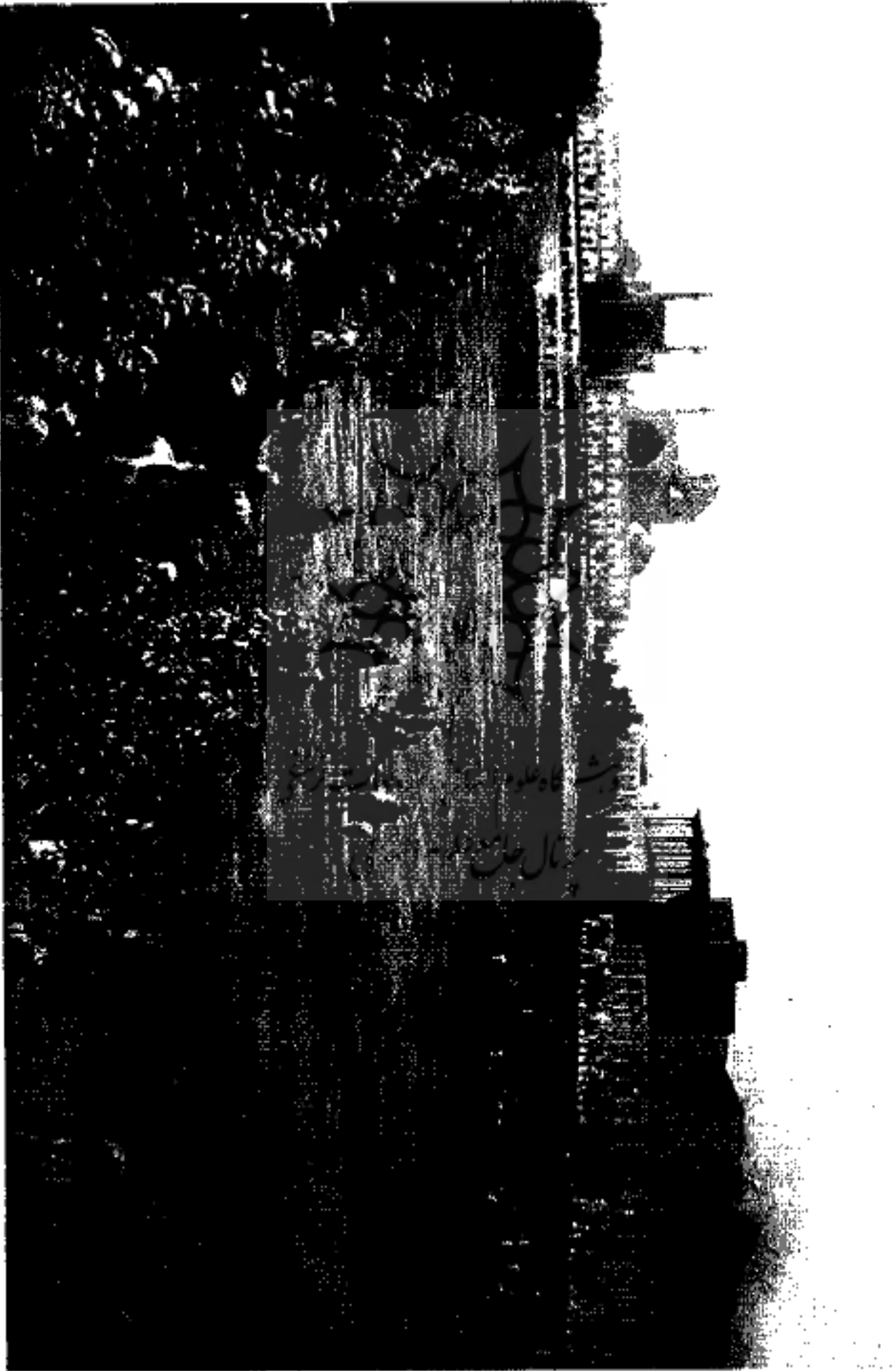


سربازان قشون ظل السلطان - اسفهان ۱۴۰۵-۱۳۸۴





قشون اصفهان [۵۲۵-۵۲۷ع]



نقشه اصفهان در میدان نقش جهان [۵۲۶-۵۲]



قشون اصفهان در حال تعمیر - میدان نقش جهان [۵۶۲۶-ع]

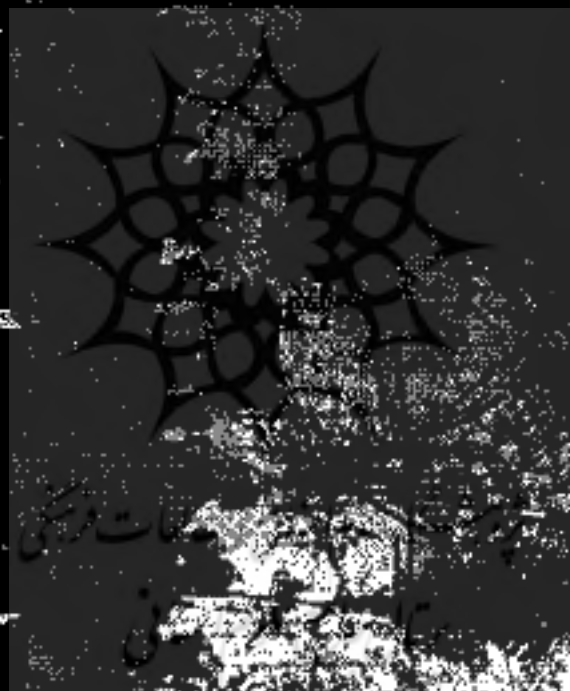


مشق سیریزان در اصطهبانات (۵۲۸-۱۳۲۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

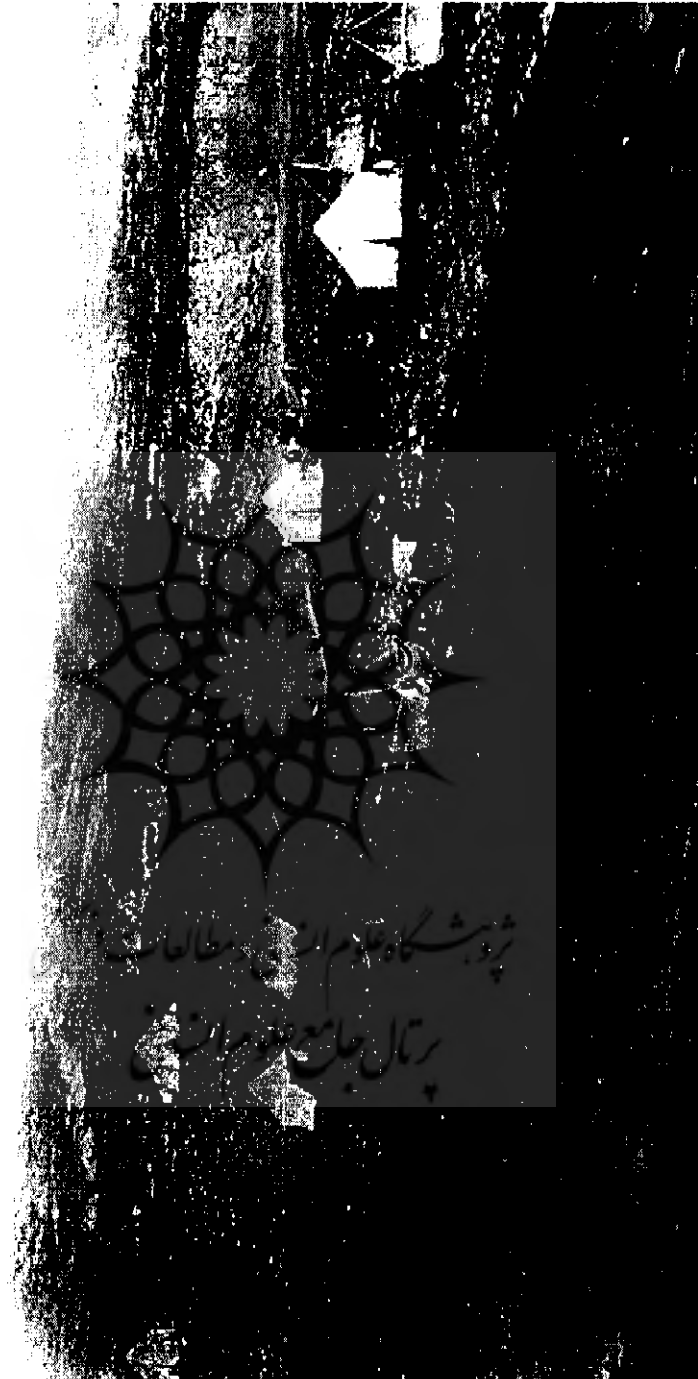


ورزش ژیمناستیک - اصفهان [۵۲۹-ع]



موزه کاشانیان قرون اصفهان ۱۵۳۵-۱۶۲۹





اردوگاه نظامی [۸۱۸۸-۲۳]

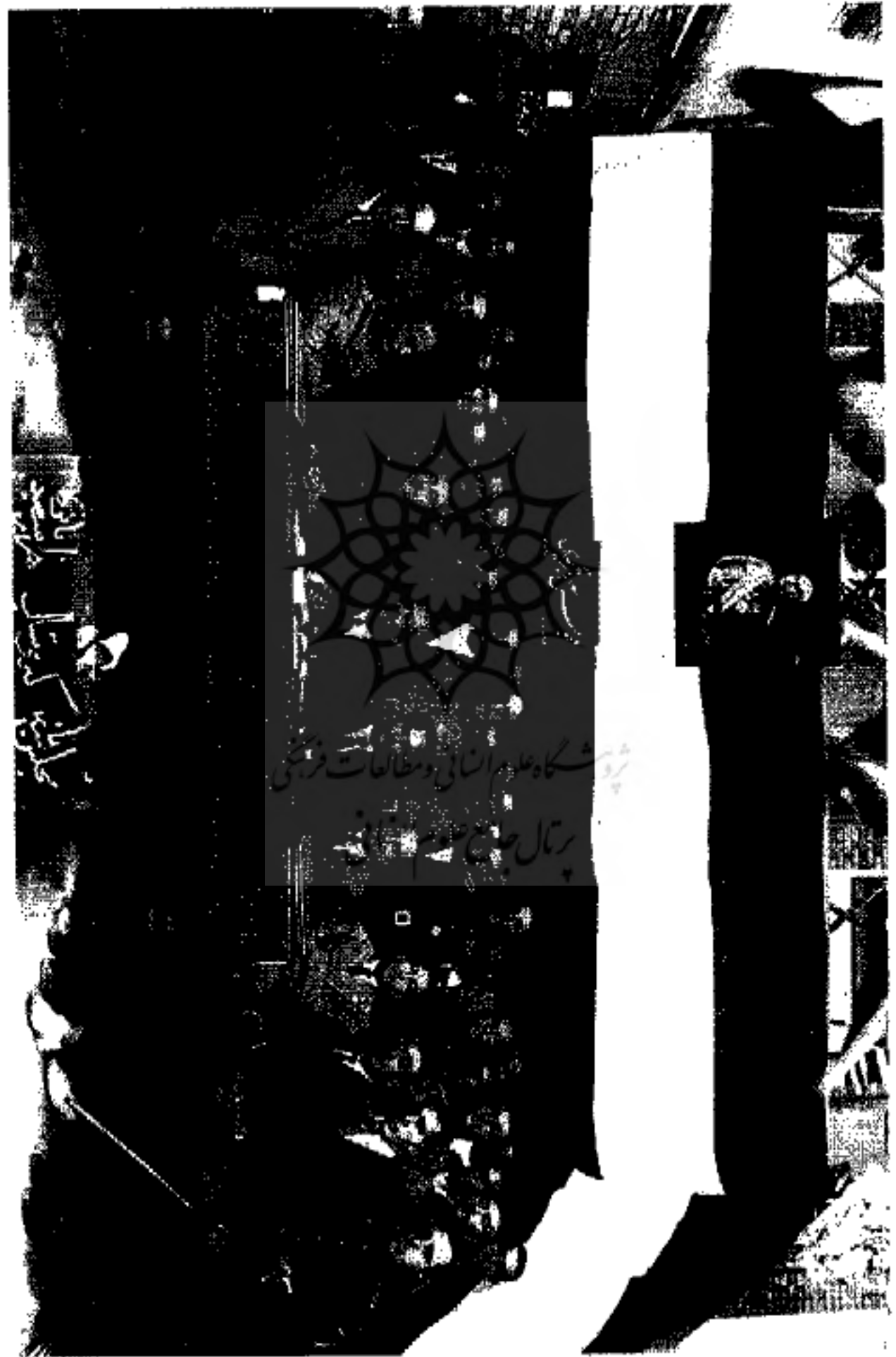


سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
موسسه تخصصی زبان

سنگریندی قشون اصفهان [۱۳۱۵-۱۳۱۶]

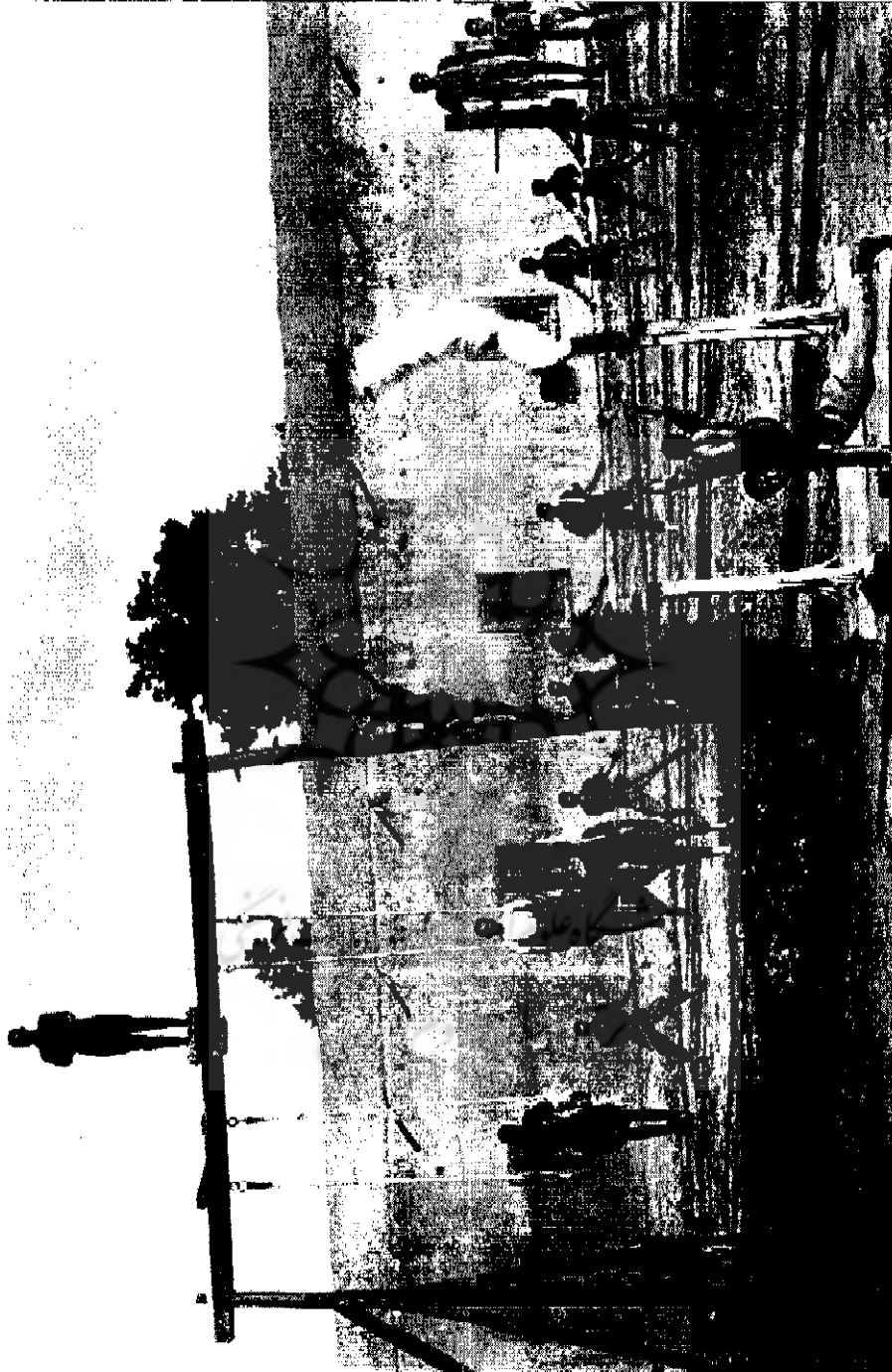


مجلس سزادگوری ۱۳۰۶ [۳۷۵-ع]



پروژه نگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مجله سبزنگری ۱۳۱۵، ۳۱۳-۳۱۴ (ع)



جمعی از سربازان در حال تمرین - دوره رضاشاه [۱۳۰۶-۱۳۰۷ع]



استراحت و صرف نهار سربازان - دوره بهلوی (۸۱۷۲-۸۳ع)



سربازان دوره پهلوی [۱۸۸۷-۱۳۰۳ع]

شورسنگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رنگ جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی